خبر

کاهش مصرف بی رویه نیازمند فرهنگ سازی جدی تر است

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان گفت: مصرف بی رویه و بالای گلستانی ها یکی از مشکلات حوزه آب استان است که حل آن به فرهنگ سازی جدی تر احتیاج دارد. علی نظری در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: مطابق آمارهای موجود هر گلستانی در شبانه روز نزدیک به ۳۰۰ لیتر آب مصرف می کند در حالی که میانگین مصرف جهانی حدود نیمی از این مقدار است. وی بیان کرد: اگر نتوانیم این مصرف بالا را کنترل و مهار کنیم، در آینده با مشکل تامین آب شهروندان و مشکلات ناشی از آن مواجه خواهیم شد. مدیرعامل شرکت آب منطقه ای گلستان افزود: هم اینک بخش کشاورزی یکی ازعمده ترین مصرف کنندگان آب است که اگر بتوانیم زمینه صرفه جویی ۱۰ درصدی این بخش را فراهم کنیم، هیچ نگرانی و مشکلی برای تامین آب خانگی نخواهیم داشت. نظری اضافه کرد: بهره گیری بیشتر از علم روز برای چگونگی مصرف و کاهش استفاده از آب در تولید محصولات ،ضرورت جدی برای آینده این نعمت محدود خدادادی است. وی همچنین بر ضرورت استفاده حداکثری از آب های سطحی تاکید کرد و گفت: هم اینک ۷۲ درصد این آب ها در گلستان مهار می شود و کنترل بقیه آن با احداث سدهای گوناگون که در دست احداث و یا مطالعه است قابل انجام خواهد بود. مدیرعامل آب منطقه ای گلستان؛ اجرای طرح های فاضلاب شهری را یکی از ضرورت های مدیریت بهینه مصرف دانست و گفت: بهره برداری از این طرح قادر به بازگرداندن ۷۰ درصد آب به طبیعت است که می توان از این پساب ها در بخش صنعت و کشاورزی استفاده کرد. وی ادامه داد: هم اکنون در ۴ شهر گلستان این طرح بهره برداری شده و در چند شهر دیگر هم اجرای طرح فاضلاب شهری در دست احداث یا مطالعه است.

«

کمباین های ۲۰ ساله گلستان نیازمند نوسازی

رییس اداره فناوری های مکانیزاسیون جهادکشاورزی گلستان گفت: ۴۹ درصد از دو هزار و ۶۷۰ دستگاه کمباین موجود در استان با عمری بالای ۲۰ سال نیازمند نوسازی بوده و جایگزینی این ماشین آلات در کاهش ریزش و هدر رفت محصول به هنگام برداشت موثر است. عید محمد فاروقی در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: امسال جهاد کشاورزی استان پرداخت تسهیلات با کارمزد ۴ درصد برای نوسازی ناوگان برداشت محصولات کشاورزی (کمباین) به منظور کمک به افزایش درآمد کشاورز و کاهش ضایعات و ریزش محصول را در اولویت قرار داده است.وی گفت: این وام از محل اعتبارات اشتغالزایی روستائیان برای خرید کمباین در نظر گرفته شده است که باید متقاضی ضمن ارائه مدارک مورد نیاز به مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان خود، ۲۰ درصد سهم آورده را نیز تامین کند. به گفته وی؛ بازپرداخت وام از سوی متقاضی برای تولیدات داخل ۶۰ ماه است. استان گلستان با داشتن افزون بر ۶۲۰هزار هکتار زمین کشاورزی از قطب های تولید محصولات مختلف در کشور به شمار می رود و رتبه دوم بعد از استان فارس را در تعداد کمباین ها دارد.فاروقی همچنین از پرداخت کمک بلاعوض دو میلیارد ریالی برای خرید هر دستگاه کششی یا خودکششی (برای برداشت وش پنبه) به متقاضیان در استان خبر داد و افزود: امسال وزارتخانه خرید حدود ۱۵ دستگاه کششی یا خودکششی برداشت وش پنبه را برنامه ریزی کرده است. رییس اداره فناوری های مکانیزاسیون جهادکشاورزی گلستان؛حمایت از خرید دستگاه کششی یا خود کششی برداشت وش پنبه را تلاش در راستای توسعه کشت ارقام پنبه ویژه برداشت با ماشین و احیا و توسعه کشت پنبه در کشور و استان بیان کرد و گفت: قیمت هر دستگاه کششی ۵ میلیارد ریال و خود کششی ۱۴میلیارد ریال بوده و این ماشین آلات وارداتی هستند.فاروقی با بیان اینکه در گلستان یک نفر متقاضی خرید این ماشین آلات شده است، افزود: اکنون برداشت وش پنبه در استان به صورت دستی انجام می شود.طبق گزارش جهادکشاورزی گلستان امسال سهمیه کشت پنبه در استان ۱۶ هزار هکتار در نظر گرفته شده بود ولی با توجه به خشکسالی و کمبود آب، کشاورزان تنها برای افزون بر ۱۰ هزار هکتار قرارداد کشت منعقد کردند که همانند سطح زیر کشت سال زرعی قبل آن بود.

آب شرب گرگان در مرحله هشدار

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان گفت: اعتبارات هزینه‌ای گلستان رشد ۱۵.۳ درصدی نسبت به سال گذشته داشته است.

حسین پیش قدم در جلسه تدوین بودجه ۹۷ در جمع اصحاب رسانه، اظهار کرد: بودجه ریزی سال آینده بر اساس عملکرد دستگاه های اجرائی استان انجام خواهد شد و هر دستگاهی که بتواند طرح‌های توجیهی خود را به اثبات برساند از مزایای تخصیص بودجه به طرح، استفاده خواهد کرد.پیش قدم با بیان اینکه لایحه بودجه امسال نسبت به گذشته تفاوت‌های بسیاری دارد، افزود: درآمدهای اعتبارات پیش‌بینی شده استان با بیشترین رشد در کشور، ۲۰ درصد افزایش داشته است، اما به دنبال آن هستیم که رشد ۲۰ درصدی را کم کنیم تا بتوانیم مازاد درآمد را برای استان رقم بزنیم.وی افزود: در حال حاضر بودجه عمومی دولت بالغ بر ۳۶۸ هزار میلیارد تومان تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است که نشان می‌دهد در سال آینده ضریب اتکا به مالیات از ۳۳ درصد به ۳۵ درصد افزایش یافته است.

وی اضافه کرد: بر اساس پیش بینی های انجام شده بالغ بر ۵۵۵ میلیارد تومان درآمد استان از این سهم دیده شده است که مقرر شده برای کل استان‌ها بالغ بر ۹۴ هزار میلیارد ریال آن تحقق یابد.پیش قدم در رابطه با اعتبارات هزینه ای گفت: این اعتبارات ۳۲۵ میلیارد تومان تخمین زده شده تا بتوانیم بخشی از حقوق و مزایای دستگاه ها را تامین کنیم.وی افزود: در حوزه اعتبارات تملک‌دارایی سرمایه ای، سهم استان گلستان، ۳۷ درصد نسبت به سال گذشته کاهش دارد.وی بیان کرد: با توجه به دریافت حقوق و مزایای دستگاه های اجرائی در استان، اعتبارات هزینه ای گلستان رشد ۱۵.۳ درصدی نسبت به سال گذشته داشته است.رئیس سازمان برنامه و بودجه استان گلستان گفت: اگر چه اعتبارات و اختیارات استان‌ها در سال جاری در رابطه با تعیین بودجه افزایش یافته است، اما نهادهایی چون بنیاد شهید، آموزش و پرورش به سقف هزینه ای استان اضافه شدند و سهم استان از اعتبارات هزینه‌ای بودجه در سال ۱۳۹۶ که ۴.۳ درصد بود به ۲۴.۳ درصد در سال آینده افزایش می یابد. وی بابیان اینکه استان گلستان یک هزار و ۶۰ پروژه در دست ساخت دارد، بیان کرد: ۹۸۰ پروژه فعال در استان وجود دارد که در حال تزریق اعتبار هستند و با توجه به اولویت هایی که داریم این پروژه‌ها را مدیریت خواهیم کرد.رئیس سازمان برنامه و بودجه گلستان افزود: پروژه‌هایی که از سال‌های گذشته آغاز شده را متوقف نکردیم و موظف به تکمیل آن پروژه‌ها هستیم، زیرا برای آن‌ها اعتبار تزریق می‌شود، اما به طرح های اولویت دار اهمیت بیشتری خواهیم دادوی اظهار کرد: با توجه به موضوع پر اهمیت کاهش منابع آبی در استان، بالغ بر ۱۳.۷ درصد اعتبارات استان به موضوع آب اختصاص داده شده است.وی توجه به اشتغال و حمایت از طرح های اشتغالزایی و کارآفرینی را از با اهمیت ترین برنامه‌های استان در لایحه بودجه ۹۷ عنوان کرد و گفت: برخلاف تصور کاهش برخی بودجه‌ها در لایحه ۹۷ به طرح‌های گردشگری، کشاورزی، تعاونی‌ها، صنایع دستی، طرح های اقتصادی و صنعتی توجه زیادی شده است.پیش قدم ادامه داد: از سوی دیگر توسعه حمل و نقل ریلی، توسعه شهرک صنعتی اترک، منطقه آزاد تجاری اینچه برون و بندر خشک از دیگر برنامه های توسعه ای استان است که امید داریم به رغم وعده‌های داده شده، بعد از تصویب لایحه و از طریق موافقت نامه‌ها در استان اجرائی شود.وی با اشاره به اینکه شرایط آب شرب گرگان خطرناک است، گفت: این مساله ما را به دنبال اجرای سد شصت کلاته کشاند که با وجود کمبود بودجه سعی خواهیم کرد پس از اتمام نظرات کارشناسی به دلیل همجواری با سد زرین گل، آن را اجرائی کنیم.وی افزود: مبحث دیگر توسعه آزاد راه نوکنده تا آشخانه بود که به رغم وجود برخی مخالفت‌ها موفق شدیم احداث آن را با حضور مشارکت کننده ها در این لایحه برای استان بگنجانیم.رئیس سازمان برنامه و بودجه استان گلستان گفت: توجه به محیط زیست، ساماندهی پسماندها و مقابله باریزگردها و آلودگی هوا و توجه به بافت فرسوده شهرهای استان از دیگر برنامه های مدیران اجرائی استان در بودجه ۹۷ است. وی افزود: به علت محدودیت های منابعی در کشور راهی جز واگذاری برخی طرح ها در بخش صنعت و معدن، آب و فاضلاب، فرهنگی و ورزشی به بخش خصوصی نداریم.وی بابیان اینکه، سه دهم جمعیت استان روستایی است و شرایط خوبی در این حوزه نداریم. گفت: بر اساس آمار اعلام شده ۷۵ میلیون یارانه بگیر در کشور داریم که دولت به آنان سه هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان یارانه می‌دهد، که امسال با اجرای طرح هدفمندی، از تعداد یارانه بگیرها کم خواهند شد و نزدیک به ۴۲ میلیون نفر به مستمری بگیران و افراد فقیر برای بهبود وضعیت زندگی اضافه خواهند شد. وی افزود: همچنین در این لایحه مقرر شده تا در صورت تصویب، برای طرح های آبیاری تحت فشار ۳۰۰ میلیون دلار، صدا و سیما در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی ۱۰۰ میلیون دلار، تقویت بنیه دفاعی هزار و ۳۰۰ میلیون دلار، ساماندهی حمل و نقل عمومی ۱۰۰ میلیون دلار، مقابله با ریزگردها ۱۵۰ میلیون دلار، آبخیزداری و ساماندهی پسماندهای کل کشور دو هزار میلیارد تومان، حمل و نقل ریلی ۳۵۰ میلیون دلار در نظر گرفته شود.وی ادامه داد: در بحث بدهی بازنشستگان آموزش و پرورش هزار میلیارد تومان، وزارت نیرو حدود هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان، محیط زیست ۹۸۰ میلیارد تومان، حمایت از سرمایه گذاری و اشتغال ۸۸۰ میلیارد تومان و جهاد کشاورزی ۱۵۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که امید داریم تحقق یابد.

کمربندی گرگان با گذشت یک دهه تکمیل نشد

حدود یک دهه از کلنگ زنی کمربندی گرگان–کردکوی که به دلیل مشکلات مالی تکمیل نشده می گذرد و عبور خودروهای سنگین از داخل شهر جان شهروندان گرگان را به خطر انداخته است. به گزارش مهر، احداث کمربندی شهر گرگان از جمله پروژه‌های دولت گذشته است که کلنگ آن سال ۸۸ با حضور علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر وقت راه و شهرسازی به زمین زده شد. اما این پروژه علی رغم خسارت های جانی و مالی فراوانی که برای شهروندان ایجاد کرده، هنوز به سرانجام نرسیده است. بزرگراه شهید کلانتری به‌عنوان تنها کمربندی گرگان محسوب می شود که در حال حاضر اطراف آن ساخت و ساز شهرک های مسکونی مانند جامی، شهریار، حافظ و ... انجام شده است. روزانه صدها نفر برای کار و امرار و معاش مجبور به آمد و شد از این مسیر هستند، درحالی که آمار تصادف این محور به نقل از رئیس پلیس راهور استان ۵۰ درصد تلفات رانندگی این شهر را شامل می شود. سرهنگ ایوب شرافتی در صحن شورای شهر گرگان گفته بود در هفت ماهه اول امسال ۹ نفر در کمربندی گرگان کشته شدند که ۵۰ درصد تلفات رانندگی گرگان را تشکیل می دهد. مدت‌هاست فقط صحبت از احداث کمربندی گرگان و جایگزینی آن در قالب قطعه اول کنارگذر گرگان–کردکوی می شود اما حتی فاز اول این پروژه، قابلیت بهره برداری ندارد.

هر کیلومتر پروژه راه سازی دست کم ۳میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد

مدیر شرکت ساخت و توسعه زیربنایی گلستان درباره روند فعالیت این پروژه، گفت: ۱۵ کیلومتر این کمربندی در قالب فاز اول ساخته شده است اما برای اینکه به صورت موقت به بهره برداری برسد نیاز است تا چهار رمپ ساخته شود. علاوه بر این باید حداقل سه دور برگردان استاندارد در این مسیر احداث شود که این کار نیاز به تملک و تامین اعتبار دارد. علی اصغر رفیعی‌نژاد با بیان این نکته که فاز دوم این پروژه ۱۱ کیلومتر است، می افزاید: باید حدود ۶۰ هکتار زمین خریداری شود که تامین اعتبار آن با کمک مدیران استانی انجام خواهد شد. بناست برای آزادسازی زمین های فاز دوم کمربندی، ۲۰ درصد هزینه ها از اعتبار استانی و دو تا سه برابر آن از اعتبارات ملی تخصیص داده شود. وی با اعلام این مطلب که پروژه های راه سازی پروسه ای زمانبر است و این موضوع بر قیمت آن تاثیر گذار خواهد بود، ادامه می دهد: هر کیلومتر پروژه راه سازی دست کم سه میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد و پروژه ای مانند کمربندی گرگان که حدود ۲۷ کیلومتر است هم به اعتبار زیادی نیاز خواهد داشت. رفیعی نژاد می افزاید: برای فاز اول کمربندی گرگان حدود ۸۰ میلیارد تومان نیاز است و چیزی که تاکنون هزینه شده ۲۰ میلیارد تومان است و برای تکمیل ۲۷ کیلومتر کمربندی ۱۶۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز داریم. به گفته وی، قطعه یک کمربندی گرگان به طول ۱۵.۵ کیلومتر از ورودی شهر سرخنکلاته شروع و بعد از عبور از این شهر به روستای امیرآباد و در محل تقاطع محور گرگان به آق قلا به پایان می رسد و قطعه دوم پروژه کمربندی که تقریبا به طول ۱۱ کیلومتر است از انتهای قطعه اول کنار گذر گرگان تا خارج از محدوده غربی شهر را شامل می شود.

تکمیل بزرگراه شهید کلانتری نیاز به سرمایه گذار دارد

اما آنچه می تواند روند استفاده شهروندان از بزرگراه شهید کلانتری را برای تردد، تسهیل کند احداث زیرگذر عابرپیاده، پل هوایی و ایجاد روشنایی برای پیشگیری از تصادف احتمالی است. نکته ای که یک کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری به آن اشاره کرده و می گوید: این محور مهمترین راه ارتباطی نه تنها گرگان بلکه استان است و باید بر روی آن به لحاظ زیباسازی، اصلاح هندسی، نورپردازی سرمایه گذاری شود. محمد پرتوی با بیان این نکته که تاکنون جهت گیری کلی درست بوده، می گوید: در برخی مکان های این محور می توان به جای پل هوایی، زیرگذر عابر پیاده احداث کرد. وی با اعلام این نکته که پروژه کمربندی جدید باید سرعت یابد، می افزاید: تا آنجاییکه ما می دانیم همیشه این پروژه مشکل کمبود اعتبار داشته است. ترسیع در روند ساخت کمربندی جدید کمک می کند تا وسایل نقلیه سنگین و ترانزیت ها از بزرگراه شهید کلانتری عبور نکنند. با این شرایط بزرگراه شهید کلانتری باید تا به بهره برداری رسیدن کمربندی گرگان، بار آن را به دوش بکشد و ساکنین شهرک های مجاور در بزرگراه نیز با هراس از تصادف و سوانح دلخراش آن زندگی کنند.

زیرگذر بزرگراه شهید کلانتری بازگشایی می شود

اما رئیس کمیسیون توسعه و عمران شورای اسلامی شهر گرگان درباره ایمنی عابران پیاده در بزرگراه شهید کلانتری گرگان می گوید: احداث پل عابر پیاده در مکان های پرتردد این محور از جمله اقدامات شهرداری گرگان به شمار می رود و همچنین زیرگذر این مسیر که با احداث تقاطع غیر هم سطح میدان شهید قندهاری جمع آوری شده بود، بازگشایی می شود. مهران کاظم نژاد درباره زیباسازی این بزرگراه، توضیح می دهد: تصمیم شورا برای زیبایی سازی این محور نصب تندیس مشاهیر بود که با مخالفت راهنمایی و رانندگی مواجه شد اما برای ایجاد فضای سبز و روشنایی برنامه هایی در دستور کار قرار دارد.سال‌هاست خودروهای سبک و سنگین که از دیگر استان‌ها وارد گلستان می‌شوند مسیر انتخابی جز بزرگراه شهید کلانتری ندارند. این در حالی است که نبود یک کمربندی ایمن در مرکز استان و از سویی ازدحام و افزایش بار ترافیکی در منطقه‌ای که کمربندی شهر را یدک می‌کشد موجب سوانح دلخراشی در این محور شده‌است. با توجه به اهمیت موضوع و مخاطرات آن برای شهروندان گرگانی اولویت قرار دادن این پروژه و تامین اعتبار آن یک ضرورت محسوب می شود.

تولید گندم در گلستان می‌تواند ۲ برابر شود

رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان گفت: تولید گندم در گلستان با عمل کردن به توصیه‌های علمی و دقیق دو برابر افزایش خواهد یافت. به گزارش مهر، علی نجفی نژاد اظهار کرد: پژوهش‌ها باید در راستای حل مشکلات جامعه باشد و پژوهشگران موظف هستند مشکلات جامعه خودشان را حل کنند. وی افزود: تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته تا پژوهشگران در سطوح مختلف در راستای نیازهای جامعه خودشان قدم بردارند، البته برخی از پژوهش‌ها ممکن است امروز به درد جامعه نخورد اما افق‌هایی را برای آینده ایجاد می‌کند. وی تصریح کرد: بخش عمده پژوهش‌ها باید کاربردی، تقاضا محور و در راستای نیازهای جامعه باشد. رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با بیان اینکه بسیار از دانشگاه‌ها ظرفیت حل کردن مشکلات جامعه را دارند، گفت: هر زمان که پیوندی بین دانشگاه، محققین و نیاز جامعه برقرار شده نتایج مثبتی به دنبال داشته و تحول ایجاد کرده است. نجفی نژاد اضافه کرد: زمانی هم که پژوهشگر به دور از نیازهای جامعه عمل کرده خروجی خوبی نداشته‌ایم، بنابراین لازم است تا پیوند دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی قوی‌تر شود. وی با اشاره به تحقیقات و پژوهش‌های دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، خاطرنشان کرد: یکی از طرح‌های مهمی که توسط همکاران ما و با تعامل سازمان جهاد کشاورزی در حال انجام است بحث خلا عملکرد در تولید گندم بوده زیرا تولید گندم در استان گلستان کمتر از نصف ظرفیت تولید است. نجفی نژاد افزود: با عمل کردن به توصیه‌های علمی و دقیق می توان تولید گندم در استان گلستان را تا دو برابر افزایش داد و به دو میلیون و ۴۰۰ هزار تن در سال رساند. وی ادامه داد: توصیه ما این است که دستگاه‌ها به دنبال توسعه تولید گندم با افزایش سطح زیر کشت نباشند و با یافته‌های پژوهشی ما در درازمدت تولید گندم بیشتری خواهیم داشت تا درآمد کشاورزان هم افزایش یابد.رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان با اشاره به یافته‌های محققان این دانشگاه در اصلاح اراضی شیبدار گلستان، بیان کرد: یافته‌های ما نشان می‌دهد با وضع موجود تا ۳۰ تن در هکتار فرسایش خاک وجود دارد که موجب پایین آمدن سطح رودخانه‌ها می‌شود که هر ساله نیازمند لایروبی است. نجفی نژاد افزود: راه حل‌ها برای اصلاح اراضی شیبدار مشخص شده و نیاز است اعتبارات لازم از سازمان مدیریت برنامه ریزی در اختیار منابع طبیعی و جهاد کشاورزی قرار گیرد تا روش‌ها را اجرا کنیم.وی ادامه داد: کشاورزی حفاظتی یافته دیگری بوده که روشی پیشرفته برای کم کردن منابع استفاده شده در عملیات کشاورزی است و اگر برنامه جدی در استان تدوین و این یافته‌ها به برنامه اجرایی تبدیل شود بسیاری از برنامه‌ها محقق خواهد شد.

خبر

تقویت حمل و نقل سرمایه گذاری در رونق اقتصادی گلستان است

نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان گفت: وجود راه های ارتباطی مناسب و تامین زیرساخت های این بخش و تقویت حوزه حمل و نقل یکی از سرمایه گذاری ها در جهت رونق اقتصادی و توسعه استان است. به گزارش ایرنا، آیت الله سید کاظم نورمفیدی در دیدار مدیران و کارکنان ستادی و شهرستانی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان که به مناسبت هفته حمل و نقل انجام شد، اظهار کرد: باید بخش های حمل و نقل و راهداری را دو مساله حساس و موثر در اقتصاد استان دانست و بیش از گذشته برای تقویت آن تلاش کرد. امام جمعه گرگان؛ اصلاح و ایمن سازی راه های ارتباطی و نظام مند شدن حمل و نقل جاده ای را با مدیریت، برنامه ریزی و نظارت صحیح؛ راهکاری مهم برای ارتقای این دو بخش برشمرد و گفت: توجه و عمل به این مهم رعایت حقوق مصرف کنندگان و تولید کنندگان را در پی خواهد داشت. نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری، همچنین به فعالان این عرصه ها از جمله راهداران و رانندگان توصیه کرد: هر گونه فعالیت در حیطه وظایف خود را با نیت رضای خداوند و خدمت به مردم انجام دهند. مدیر کل راهداری و حمل و نقل جاده ای گلستان نیز با ارائه گزارشی گفت: نگهداری و صیانت از حدود پنج هزار کیلومتر راه های استان، ساماندهی و نظارت بر فعالیت حدود ۱۰ هزار ناوگان باری و مسافری، ۱۵۰ شرکت باری و مسافری و ۲۰ شرکت حمل و نقل بین المللی و ۱۵ هزار راننده در بخش حمل و نقل جاده ای استان از وظایف این مجموعه است که وظیفه خدمات رسانی به جامعه را بویژه در فصل سرد و شرایط بحرانی و مواقع ضروری برعهده دارد. به گفته مهدی میقانی؛ واگذاری بخشی از تصدی گری های اداره کل به صنوف، اتحادیه ها و تشکل های صنفی مرتبط و تسویه مطالبات پیمانکاران و رسیدگی به امور بیش از ۴۶۰ نیرو از دیگر وظایف این بخش است. وی اضافه کرد: رسیدگی به این امور و نگهداری مستمر راهها به منابع پایدار مالی نیاز دارد، اما تخصیص ناچیز منابع در سال، پرداختن به این مسایل را سخت کرده است.

«

جمعیت سالمندی در گنبد کاووس رو به افزایش است

رئیس بهزیستی گنبدکاووس با تاکید بر راه‌اندازی بنیاد فرزانگان برای حمایت از سالمندان در شهرستان، گفت: جمعیت سالمندی در گنبدکاووس رو به افزایش است. به گزارش تسنیم، محمدرضا فشایی در جلسه شورای سالمندان اظهار داشت: ۱۱۵ سالمند در مرکز نگهداری سالمندان شهرستان گنبدکاووس به صورت شبانه‌روزی نگهداری می‌شوند و با توجه به اینکه، سالمندانی از مرکز استان و دیگر شهرستان پذیرش شدند، پیشنهاد می‌شود مسیر تردد این مرکز زیرسازی و آسفالت شود. رئیس اداره بهزیستی شهرستان گنبدکاووس افزود: در سال ۹۶ جلسه شورای سالمندان تا به امروز تشکیل نشده و با توجه به رایزنی‌های صورت گرفته، عدم تشکیل چنین جلساتی نشان‌دهنده‌عدم‌اهمیت‌موضوع سالمندان در شهرستان است. فشایی تصریح کرد: سالمندان متکدی و یا فاقد سرپرست موثر و مجهول‌الهویه تاکنون توسط بهزیستی ساماندهی شدند و در روزهای گذشته، ۶ نفر از متکدیان سالمند به مرکز نگهداری سالمندان شهرستان گنبدکاووس، تحویل شد. رئیس بهزیستی شهرستان گنبدکاووس یادآور شد: ۳۵ سالمند به صورت روزانه از خدماتی چون توانبخشی، آموزش، فیزیوتراپی و غیره از مرکز روزانه فرزانگان بهره‌مند می‌شوند. فشایی گفت: ۵۰ سالمند که در منزل بستری هستند از خدمات بهزیستی در منزل برخوردار هستند و مناسب‌سازی محیط زندگی مانند مسیر تردد در منزل و سرویس بهداشتی مناسب برای تعدادی از سالمندان انجام شده است. رئیس بهزیستی شهرستان گنبدکاووس اظهار کرد: از دیگر فعالیت‌های بهزیستی برای سالمندان پرداخت ۵۰ درصد از بیمه سالمندانی که توان پرداخت بیمه را ندارند، است. فشایی تصریح کرد: یکی از تقاضاهای بهزیستی، تشکیل و تاسیس بنیاد فرزانگان با اهداف خاص برای سالمندان در شهرستان گنبدکاووس است که این بنیاد ضمن اینکه بیشتر نیروهای خود از جامعه سالمندان را انتخاب می‌کند برنامه‌هایی در جهت ایجاد روحیه شادابی و نشاط و اوقات فراغت برای سلامت اجتماعی، روانی و معنوی خواهد داشت.

سازمان نظام مهندسی ساختمان
استان گلستان

آگهی مجمع عمومی عادی (بطور فوق العاده) سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان

در اجرای مواد ۵۲، ۵۳و۵۴ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی وکنترل ساختمان، نوبت اول، سومین مجمع عمومی عادی (بطور فوق العاده) سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان در روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ از ساعت ۱۴ الی ۱۶ در محل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان برگزار می گردد. درصورت به حد نصاب نرسیدن نوبت اول، نوبت دوم مجمع در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۱ساعت ۱۵ الی ۱۸ در گنبد بلوار صیاد شیرازی- سالن اجتماعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد برگزار خواهد شد. جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت سازمان WWW.GOLESTAN-NEZAM.ORG مراجعه نمایید.

دستورجلسه:
–ارائه گزارش مربوط به زلزله غرب کشور توسط گروههای تخصصی (عمران ومعماری)
–گزارش تهیه شده کمیته رفاهی باهمکاری شرکت‌های بیمه (بیمه‌های مسئولیت مهندسان وتکمیلی) واعلام نظر نسبت به آن
–بررسی و نظر خواهی در موضوعات حرفه ای و مهندسی با اطلاع رسانی به اعضا و جمع بندی در هیات مدیره جهت طرح موارد لازم در مجمع عمومی

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

دو سیمای ماکیاولی

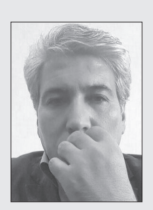

NICCOLÒ MACCHIAVELLI

مصطفی نصیری–جامعه ما، حتی طبقه دانشگاهی آن، از جمله جوامع زیادی است که داوری خوبی از ماکیاوللی ندارد. اغلب مردمان دنیا، چهره‌ای شیطانی از ماکیاوللی ساخته و او را عامل «شر» می‌دانند که آموزه‌های «کسب، حفظ و بسط» قدرت را به شهریاران آموخت. هم‌چنین او کسی است که با وضع قاعده «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، نظام اخلاقی را نابود ساخت و ...

اما به‌یُمن پیشرفتی که ماکیاوللی پژوهی در چند دهه اخیر کرده است، برخی پیرایه‌ها از چهره او به‌عنوان بنیادگذار پایه‌های جدید علم سیاست، زدوده شده و اینک تصور خوبی از وی ارایه شده است که سعی می‌کنیم به چند مورد از تصورات نادرست از ماکیاوللی که دیگر اعتباری ندارد،اشاره‌ای بکنیم. اولین موردی که باید بدانیم، و از قضا ریشه بدنامی ماکیاوللی هم دقیقا از همین‌جا آغاز شد، «میهن‌دوستی» اوست. بر برهه‌ای‌که ماکیاوللی می‌اندیشید، ایتالیا در یک تاخیر تاریخی به‌نسبت برخی همسایگان‌اش، مثل؛ اسپانیا و فرانسه و غیره که خود را از امپراتوری مقدس مسیحی کنده و به یک کشور مستقل تبدیل شده بودند، به سه حوزه بزرگ شهریاری تقسیم می‌شد. زمانی‌که شهریاری دو بخش از سه بخش، در دست یک خاندان افتاد، ماکیاوللی فرصت را مغتنم شمرد و با نوشتن کتاب، یا درواقع «رساله شهریار» و تقدیم آن به «مدیچی‌ها» تلاش کرد تا به وحدت سرزمینی ایتالیا و تبدیل آن به یک کشور مستقل کمک کند. هرچند تلاش ماکیاوللی برای وحدت بخشیدن به ایتالیا که انگیزه اصلی نوشته شدن کتاب شهریار بود، در زمان خودش به شکست انجامید و او کشور ایتالیا را ندید، اما موجبات دشمنی کلیسا و متعاقب آن، بدنامی نگاشتن رساله شهریار را به‌جان خرید. ماکیاوللی در جایی گفته بود که بزرگترین مانع کشور یکپارچه شدن ایتالیا، عبارت از کلیسا است، چون نه آن‌قدر کوچک و ضعیف است که ضمیمه دو بخش دیگر شود، و نه آن‌قدر قوی است تا دو بخش دیگر را ضمیمه خود کند، شاید بدین‌وسیله ایتالیا، باعزل نظر از نوع حکومت آن یکپارچه شود. این امر باعث شد تا اربابان کلیسا با تفسیرهایی غلط از فرازهایی از نوشته‌های ماکیاوللی، هموکه معتقد بود؛ «از میهن باید دفاع کرد، به نام یا به ننگ»، چهره‌ای شیطانی از او بسازند که در ادامه سعی می‌کنیم برخی از آن موارد را توضیح بدهیم. ماکیاوللی در بخش‌های میانی رساله شهریار (فصل پانزدهم) از اهمیت «واقعیت موثر» در سیاست سخن گفته است. منظور این است که آن‌چه در سیاست اهمیت دارد، آن چیزی است که به «نمایش» گذاشته می‌شود یا «نُمایانده» می‌شود که واقعیت است، نه «واقعیت نفس‌الامری» امور که در دسترس هرکسی نیست. او گفته بود که مهم نیست طینت شهریار در واقعیت امر خوب است یا بد، بلکه مهم این است که شهریار جایی‌که لازم است خوب باشد، «بنُمایاند» که خوب است و در جایی که اقتضاء می‌کند بد باشد، باز بنُمایاند که بد است. به‌عنوان مثال؛ اراذل و اوباش و دزدان و تبهکاران در یک جامعه، بویژه جامعه منحط، لازم است بدانند که با شهریاری بی‌رحم و خشن روبرو هستند که در برخورد با این‌گونه افراد، مصمم، قوی و بی‌رحم است. آن‌چه به‌لحاظ سیاسی اهمیت دارد این است که شهریار نشان بدهد یا بنماياند و یا به اصطلاح دینی، تظاهر کند که به اندازه کافی در برخورد با این تبهکاران خشن و بی‌رحم، به اندازه لازم خشن و بی‌رحم بوده و اصولا تابع اصول اخلاقی و عواطف انسانی نیست، هرچند در واقعیت، دارای شخصیت و طینت رئوف و اخلاقی می‌باشد. بالعکس، لازم است که عامه مردم تصوری مهربان، مبادی آداب و داد و اخلاق و ... از شهریار داشته باشند، و مطمئن باشند که او خواهان خیر و صلاح همه مردم است و با آنان به عدل و نیکی و با تسامح و تساهل رفتار می‌کند، و به‌دنبال تاراج دسترنج آنان نیست. ماکیاوللی به شهریار توصیه می‌کند که در مواجهه با رعایا، باید نشان بدهد، یا بنُمایاند، یا تظاهر کند که چنین شهریاری است، هرچند در واقعیت امر چنین نباشد.یکی دیگر از موارد کاربرد این آموزه در سیاست خارجی و در جنگ است. ماکیاوللی به شهریاری که می‌خواهد قلمرو شهریاری خود را حفظ کند، می‌گوید؛ همواره دو نوع کشورها زود مورد تجاوز قرار می‌گیرد، یکی کشوری که به نسبت همسایگان‌اش ضعیف است و دیگری کشوری که به نسبت همسایگان‌اش بسیار قوی است. طبیعی است که کشور ضعیف مورد طمع قرار می‌گیرد و کشور قوی هم باعث وحشت همسایگان و اتحاد آن‌ها علیه خود می‌شود. ماکیاوللی به شهریار می‌آموزد که اگر نسبت به همسایگان ضعیف است باید نشان بدهد و بنُمایاند که برای دفاع از مرزهای خود به اندازه لازم قوی و مصمم بوده و اراده استفاده از قدرت را بدون هیچ تردیدی دارد. بالعکس اگر شهریار نسبت به همسایگان‌اش قوی است، باز باید بنُمایاند که قصد بیرون رفتن از مرزهای خود و تجاوز به همسایگان را ندارد. این‌جا هم، مهم نیست که شهریار «واقعا» در فکر تجاوز به دیگر کشورها باشد یا نه، بلکه آن واقعیتی «موثر» است که شهریار از خود به نمایش می‌گذارد. به تعبیر بهتر، مهم نیست آن «واقعیتی» که شهریار از خود به «نمایش» می‌گذارد، «حقیقت» دارد یا نه، زیرا «حقیقت بما هی حقیقت» این‌جا «موثر» نیست، و اصلا کشورهای همسایه نباید به «حقیقت» امور کشور و شهریار اطلاع پیدا کنند. این‌جا یکی از آن بزنگاه‌هایی است که مخالفان ماکیاوللی با برخی تفسیرهای اخلاقی، موجبات بدنامی او را فراهم آورده‌اند.همان‌طورکه ملاحظه می‌شود، آن‌چه ماکیاوللی می‌گوید، نسبتی با دروغ و ریا در مفهوم اخلاقی و دینی در نظام سنت قدمایی ندارد. علاوه بر آن‌چه ذکر شد، ماکیاوللی در فصل هیجدهم شهریار، طی مطلبیکه از یکسو در ادامه نقش «حقیقت موثر» در سیاست است که در فصل پانزدهم شهریار به آن پرداخته است، با توجه به اختلاف طبایع مردمان در یک جامعه، به شهریار توصیه می‌کند که توامان باید «هم گرگ و هم روباه» باشد، و از سوی دیگر، در موضوع تزاحم میان وفای به عهد و لزوم نگه داشتن کشور، از باب «الحرب خدعهٌ»، به شهریار اطمینان می‌دهد که نگاه مردم فقط به «نتیجه»و پیروزی در حفظ کشور بوده و توجهی به وسایل پیروزی نخواهند داشت. این فقرات به همراه برخی فقرات کتاب گفتارها، منبعی برای استخراج قاعده «توجیه وسیله» شده است. قبل از هرچیزی، قاطعانه باید بگوییم که چنین جمله‌ای در هیچ‌یک از آثار ماکیاوللی وجود ندارد، بلکه این جمله بیانگر فهم و برداشتی است که از برخی مفاهیم و مضامین او شده است. ماکیاوللی در کتاب اصلی خود، گفتارها؛ می‌گوید که وقتی بنیان‌های دینی و اخلاقی و قانونی در جامعه‌ای فروپاشید و آن جامعه غرق در فساد و تباهی شد، دیگر از طرق عادی مثل تصویب قانون‌های خوب و موعظه‌های اخلاقی و دستورات دینی اصلاح نمی‌شود. هم‌چنین ماکیاوللی معتقد است که «کشورسازی» یا «دولت ـ ملت»ـسازی از راه‌های عادی و طبیعی و به دست یک گروه و جمهور ممکن نیست، بلکه در چنین شرایطی نیاز به «مردی» با «اختیارات فوق‌العاده» یا «Extraordinary» است. ماکیاوللی به چنین مردان «بنیادگذار»ی که کوروش و موسی و تِسِئوس و رُمولوس را از جمله آن‌ها می‌شمارد، «پیامبران مسلح» نام داده است. جالب است که ماکیاوللی می‌گوید؛ کشور به دست یک «ابرمرد» ساخته یا اصلاح می‌شود، اما به‌دست جمهور اداره و ادامه می‌یابد. ماکیاوللی برای چنین مردانی توصیه می‌کند که داوری مردم در باره کار یا کارهای بزرگ آن‌ها براساس «نتایج» صورت خواهد گرفت، نه برمبنای برخی خشونت‌هایی که گریزی از آن‌ها نمی‌باشد. از نظر ماکیاوللی در سیاست آن‌چه اهمیت و «تاثیر» دارد، نتیجه کار شهریار است نه نیت خوب و بد او. ممکن است شهریاری با نیت خوب، نتایج زیانباری بدست بیاورد، و نیز، ممکن است شهریاری با نیت بد نتایج خوبی بدست بیاورد. اصلا مردم از نیت شهریار آگاه نیستند و اصولا نیت شهریار نباید امری در دسترس همگان باشد، و به‌تعبیری که در شهریار گفته است، داوری عامه در باره شهریارْ امری نیست که موضوع «دادگاه ـ court» باشد، بنابراین براساس نتایجی که او کسب کرده و بهبار آورده است، در باره او داوری خواهند کرد. ماکیاوللی می‌گوید کشوری که اصلاح یا بنیاد می‌شود، دارای دشمنان داخلی زیادی است که منافع آنها قطع شده است. ماکیاوللی از کسی به نام «بروتوث» نام می‌برد که دستور کشتن پسران خود را داد زیرا ترسید که آن‌ها بدلیل قطع شدن رانتهایشان، پس از وی برای بازگرداندن شاه تبعیدشده‌و سرنگونی جمهوری ایجاد شده، تلاش کنند(فصل ۹ از کتاب اول گفتارها). ماکیاوللی می‌گوید او به‌خلاف این‌که چنین قتلی را انجام داده بود، معروف به قاتل نشد چون نتیجه سیاسی که او به‌دست آورده بود، چنان بزرگ بود که آن قتل‌ها در کنار آن هیچ اهمیتی نداشت. مردم او را به‌عنوان بنیادگذار جمهوری می‌شناسند، نه قاتل پسران خود. یکی دیگر از فقراتی که مخالفان ماکیاوللی بر آن انگشت گذاشته و قاعده «توجیه وسیله» را استخراج کرده‌اند، این فقره از (فصل هشتم)کتاب شهریار است که می‌گوید؛ کوروش و موسی و تسئوس و رُمولوس اگر«مسلح نبودند» یا از «زور»استفاده نمی‌کردند، آن‌ها نمی¬توانستند نهادهای خودشان را برای مدت طولانی برپای نگاه دارند. ماکیاوللی می‌گوید که این مردان با استفاده از «ویرتو»ی خود تمام کسانی را که بر آن‌ها حسد و حقد می‌ورزیدند، از میان برداشته و نهادهای خود را استوار نگاه داشتند و مردم این پیامبران مسلح را هرگز به‌خاطر استفاده از قدرت و از میان برداشتن مخالفان، نکوهش نکردند، بلکه تکریم کردند. آن‌چه ماکیاوللی در فقره یاد شده می‌گوید این است که؛ «غایت» آن چیزی است که در «نتیجه» کار دیده خواهد شد، نه این‌که «هدف» هرچه‌که باشد،«وسیله» را توجیه می‌کند». درواقع ماکیاوللی از موضعی در واقع‌گرایی سیاسی می‌گوید که نجات دادن یک جامعه تباه شده از طریق عادی و قانونی امکان‌پذیر نیست، و مردان بنیان‌گذار برای اصلاح جامعه منحط، ناگزیر از سود جستن از حدی کنترل‌شده از خشونت هستند. ماکیاوللی‌بیه این مردان مصلح یا بنیان‌گذار، این اطمینان را می‌دهد که مردمان با توجه به اصلاحی که او انجام داده، یا بنیان نهادی که او گذاشته است، او را خشن و قاتل قضاوت نخواهند کرد. البته ماکیاوللی «هر هدفی» را مد نظر قرار نداده‌است، بلکه همو در کتاب اول گفتارها، این تمایز را وارد کرده است که؛ به همان اندازه که بنیادگذاری یک جمهوری قابل ستایش است، بنیادگذاری حکومت استبدادی قابل نکوهش است، پس «هدفی» مثل بنیادگذاری حکومت استبدادی، نه تنها استفاده از زور به‌عنوان یک «وسیله» را توجیه نمی‌کند، که مورد نکوهش نیز می‌باشد. اما آن فقره‌ای که بیشتر از هر فقره دیگری مستمسک واقع شده، فراز آخر فصل هیجدم شهریار است که ماکیاوللی، کلمه «وسیله» را نیز به‌کار گرفته است. گفتیم موضوع فصل هیجدهم این است که آیا شهریار باید به همه عهدهایش وفا کند؟ ماکیاوللی پس از تبیین این نکته که بدلیل اختلاف طبایع مردم، بر شهریار فرض است که توامان هم در زی شیر باید ظاهر شود و هم روباه، و با تاکید بر این‌که برای حفظ «state» درمیان است، «نگاه هرکس معطوف به نتیجه» است، یا درواقع باید معطوف به نتیجه باشد. ماکیاوللی سپس می‌گوید؛ پس بگذار شهریار پیروز شود و شهریاری‌اش را حفظ کند، زیرا در چنین وضعیتی مردم «وسایل ـ means» را «همواره ـAlways» «شرافتمندانه و پسندیده ـ honorable» انگاشته و «خواهند ستود»، زیرا عامه مردم برای داوری در باره عملکرد شهریاران، «دادگاه ـcourt» تشکیل نمی‌دهند تا «حقیقت» گفتار و کردار او را بیابند، بلکه داوری آن‌ها صرفا ناظر بر نتایج مترتب بر کردار و گفتار شهریاران است. اما آن‌چه اهمیت دارد این است که در نظام فکری ماکیاوللی که مبنای علم جدید سیاست است، اصل بر «خوب بودن» و«وفای به‌عهد» است و چنان‌چه در دو کتاب گفتارها و شهریار(در فصل هیجدهم) گفته است، شهریار فقط باید «به‌گاه ضرورت نشان بدهد که بد است». در نظام فکری ماکیاوللی، گفتار و کردار شهریار و مردم عادی از دو مبنای متفاوت سرچشمه می‌گیرد. اگر از مبنای گفتار و کردار عامه مردم صرف نظر کنیم که تابعی از طبایع آن‌هاست، شهریاردر گفتار و کردار خود همواره باید مبنای «حفظ شهریاری را در نظر بگیرد ـ under the necessity to maintain his state». آن‌جا که این ضرورت ایجاب می‌کند که باید «بد» باشد، باید «نشان بدهد» که بد است، حتی اگر در حقیقت «خوب» است. آن‌جا که ضرورت حفظ شهریاری ایجاب می‌کند که به «نقض عهد» بکند، باید نقض عهد بکند، حتی اگر ذاتا انسان «عهدشکنی» نباشد. و البته العکس بعکس. اما چنان‌چه کمی بالاتر دیدیم،او در فصل دهم از کتاب اول گفتارها، میان دو نوع شهریاری (استبدادی و جمهوری) تمایز وارد کرده است، پس عهدشکنی برای کسب و یا حفظ یک حکومت استبدادی مشمول ضرورت یاد شده و اصول حاکم بر آن نمی‌شود.

جبر و اختیار در اندیشهٔ ماکیاولی

محمدرضا مرادی طادی

اگرچه عموماً نیکولو ماکیاولی(۱۵۲۷–۱۴۶۹) ،سیاستمدار و فیلسوف سیاسی عصر رنسانس ایتالیا، صاحب مقام در جمهوری فلورانس، که کتاب مشهورش شهریار، برای او نام و ننگِ«بی خدایی ضدِ اخلاق» را به ارمغان آورد، را صرفاً به اندیشهٔ سیاسی ظاهراً مبتنی بر «تغلّب»اش می شناسند، که در آن اصل بر «قدرت» برهنه‌ای است که برای حصول به آن می توان خدا و اخلاق و را بر آستانش قربانی کرد، ولی بر خلاف این تصور رایج اندیشهٔ او مشحون از ظرایفی پنهان است که قابل فروکاستن به این تصویر ساده انگارانه نیست.

یکی از این دقایق و ظرایف اندیشهٔ سیاسی (و از جهاتی فلسفی) ماکیاولی،بی هیچ تردیدی مفهوم منشوری و به غایت چند بُعدی ویرتو(Virtue) است.ویرتو را معمولاً در معنایی سیاسی تفسیر کرده‌اند،امّا در اینجا قصد ما بازخوانی آن از چشم انداز فلسفهٔ زندگی است. ویرتو را به فارسی فضیلت،مردانگی (بنا به رَیشهٔ کلمه در لاتین[Vir] که چنین معنایی را افاده می کند)،و مناقشه برانگیزتر از همه،«هنر» ترجمه کرده‌اند.ترجمهٔ ویرتو به هنر ماحصل ذوق واژه گزینی داریوش آشوری بودهاست که در ترجمهٔ کتاب شهریار در تمام موارد ویرتو را به هنر برگردانده است.کاری که واکنش سیدجواد طباطبایی را برانگیخت،و متعاقباً،به جدال قلمی میان طباطبایی و آشوری منتهی شد. به نظر می رسد که برگردان ویرتو به هنر،در تمام موارد و به نحوی یکسان،محل اشکال باشد.چرا که معمولاً در اصول معرفت شناسی و روش شناسی آکادمی کم در نبه دانشجو و نویسنده تاکید می شود که همیشه یک مفهوم را در یک معنا به کار ببرند، تا انسجام مفهومی داشته باشند، ولی این اصل الزاماً درباب اندیشهٔ متفکران قدیم نمی تواند صادق باشد. شاید با چنین عقبه‌ای آشوری به دنبال انسجام مفهوم در متن شهریار بوده است، از همین رو درتمام موارد و یرتو را به هنر ترجمه کرده است. امّا مشکل آنجاست که مفسرین بزرگ با آشوری هم داستان نیستند. برای نمونه، اسکینر در جلد نخست بنیادهای اندیشهٔ سیاسی مدرن توضیح داده که ویرتو مفهومی است که و حدتِ مضمون نداشته و معانی مختلفی را شامل می شود. او در تک نگاری خود شد رباب ماکیاولی نیز متذکر شده است که باید از هوس ترجمهٔ ویرتو صرف نظرکرد و به قول عزت الله فولادوند، مترجم کتابِ ماکیاولی اسکینر، دربرابر آن سپر انداخت. امّا داریوش آشوری بی توجه به تمام این ظرایف واحتمالاً با سابقهٔ ذهنی ضرورت انسجام متن واژه ای با طیفِ معنایی مختلف را به کلمه‌ای واحد ومنسجم فرو کاسته است. به نظر می رسد که یکی از عمده ترین مشکلات بر سر فهم و ترجمهٔ درست این مفهوم‌واژه نادیده گرفتن دیگر مفاهیم دستگاه فکری ماکیاولی است؛که بی تردید در این مورد – ویرتو –به ویژه از عدم دقت به جفتِ همبسته و دوگانهٔ آن – یعنی فورتونا (fortuna) – ناشی می شود.بنابراین ضرورتاً بایستی که این دو را همیشه در کنار یکدیگر و با توجه به دیگری فهمید و فهماند.پس در اندیشهٔ ماکیاولی نه با تک مفهوم ویرتو،بلکه با دوگانهٔ مفهومی «ویرتو– فورتونا» سر و کار داریم؛یا باید که داشته باشیم.بنا بر توضیحات آشوری، در مقدمه‌اش بر ترجمه شهریار، ویرتو(virtu) پنجاه و نه بار در کتاب شهریار به صورت اسم آمده است و سه بار به صورت صفت(virtuoso)؛ و یک بار به صورت قید(virtuosissimamente).در هفده مورد همراه با «بخت»(fortuna) پدیدار می شود.بخت نیز پنجاه و یکبار در شهریار تکرار شده است.امّا از نظر ما اهمیت موضوعِ در همان هفده باری است که این دو در کنار یکدیگر آمده‌اند.

واقع امر آن است که هیچ یک از این مفاهیم ابداع ماکیاولی نیستند، بلکه در مجادلات فکری زمانه‌اش کاملاً حاضر و زنده بوده‌اند و تنها ماکیاولی آنها را اخذ کرده است؛ و به تعبیر اسکینر با تکنیک «توصیف مجدد خطابی» کانون معنایی آنها را تغییر داده است.برای نمونه ویرتوی شهریار که معطوف قدرت،هنر مردانگی،شجاعت،شهامت،اقتدار،جسارتِ تصمیم گیری(همهٔ این معانی را در ذهن داشته باشید) است، اساساً با معنای ویرتو در عهد جدید که مشتمل بر فضیلتی است که خواهان صلحی است که بیشتر رنگ و بوی اخلاق مسیحی دارد،یکسره متفاوت و متمایز است. از همین رو،مفسرین ویرتو در اندیشهٔ ماکیاولی را مفهومی «نوآیین» می دانند .

و یر تو ی (V i r t u) ما کیا و لینهصر ففضیلتی (V i r t u e) برایجستجویشهرتونیکنامی(یعنی فضیلت در معنای اخلاقیِ سنتی آن،و نه در آن معنایی که ماکیاولی مد نظر داشته است)،بلکهتوانَمندس ازیشهریاربرایدستیافتنبهقدرتاست.برایمثال،سخاوت(بهعنواننمونه‌ای ازفضایل‌مسیحی)نمیتواندهدفشهریارباشدچراکهممکناستبهرهمنداناز سخاوتِشهریارقدردانآننباشندوسخاوتبدلبهنمایشِاسرافِمالیاتهایضروری ایباشدکَهرعایامیپردازند. از همین رو، منجربهنفرتازشهریارگردد.بنابراینشهریارنبایدنگراننگخساستباشد،چراکهاینعیب،حُسنیاستبرایحکومتکردن.بههمینسانشهریارنبایددلنگرانرفتارظالمانهباشدالبتهمشروطبرآنکه «اقتصادِ خشونت» رعایت شود وظلم«درجایخود»بهکارگرفتهشود. شاید بتوان گفت کهاگرچهبحثماکیاولیمنحصرادربابشهریاروشهریاریعنوانشدهاستامّا با تعمیم آن،و با توجه به جفتِ دوقلوی‌اش – فورتونا – که در ادامه بحث خواهیم کرد،عموماً دربارهٔ حوزهٔ « اختیار» و « ارادهٔ انسانی» است.نه تنها شهریار، بلکه هر انسانی بایستی توانایی،شجاعت، و ارادهٔ لازم برای دنبال کردن اهدافش و حصول به آنها را داشته باشد.پس در اومانیسم ماکیاولیایی هر انسانی باید صاحب ویرتو شود. ویرتو آن چیزی اَست که آدمی می تواند انجام دهد تا به واسطهٔ آن به مقاصد خویش در زندگی دست یابد. این تفسیر می تواند با توجه به معنای فورتونا و همچنین مجادلات فکری رنسانس درباب این دوگانه موجه قلمداد شود. ازنظرماکیاولیهدفویرتوکاستنازقدرتبختدرامورانسانیاست.چراکهبخت،آدمیرازتکیهکَردنبهخودبازمیدارد.درابتداماکیاولیتاکیدمیکندکهقوانینبختنیمیازحیاتبشریاند،امّاپسازآن،بایکاستعارهٔعجیب که احتمالاً مورد پسند فمنیستهایمعاصرنخواهدبود،بختراباززنیمقایسهمیکندکهخودراتسلیمبیپروایانوجسورانیمیکندکهباشهامتمیخواهندبراودستیابند،نهبزدلانوجبونان.بخت مجموعه نیروها،ساختارها،علل،حوادث،و تحولاتی است که بیرون از ارادهٔ شهریار – و عام تر از آن،بیرون از ارادهٔ آدمی – قرار دارند و انسان توانایی تغییر آنها را ندارد.ولی می تواند با تمهیدات و تدبیرهایی (که بخشی از ویرتوی شهریار است) آنها را چنان مدیریت کند که نتوانند مانع رسیدن به مقصود شوند.پس می توان گفت که ویرتو و فورتونا دوقلوهایی مفهومی در اندیشهٔ ماکیاولی‌اند که آن دو را بایستی با توجه به آن قُل دیگر فهمید.ویرتو عرصهٔ اختیارات، امکانات، و توانمندیهایی است که شهریار در حوزهٔ شهریاری‌اش، و هر انسانی، در عرصهٔ زندگی‌اش، می تواند آنها را به خدمت بگیرد تا از موانع و سدهایی که اجباریاتِ زمانه – فورتونا: هر آن چه که مابین ما و موفقیت فاصله می اندازد؛تمام شرایط و اوضاع روزگاری که در آن زیست می کنیم – به پیش می گذارد،در گذرد. در این راه بایستی گاهی چون شیر بر قدرت تکیه کند، و گهگاهی همچو روباه بر عقل و تدبیر.لذا شاید بتوان یکبار دیگر شهریار ماکیاولی را از این منظر بازخوانی کرد که نه دستورنامه‌ای برای سیاست مبتنی بر نیرنگ و تغلّب و تقلّب ، بلکه اندرزنامه‌ای برای زیستن هر انسانی در دنیایی است که آکنده از امکانات و محدودیتهاست.امکاناتی که برای ما « اختیار» اراده کردن را فراهم می کنند، و محدودیتهایی که متقابلاً برای ما « جبر» نهی‌ها و موانع را ایجاد می کنند.هنر زندگی نیز به مانند هنر شهریاری ترکیب این جبر و اختیار ، یا فورتونا و ویرتو، در یکدیگر است؛ آن چنان که نتیجهٔ حاصله بهترین وضعیت ممکن الوصول باشد و نه الزاماً آرمانهایی که بسان آرمانشهر افلاطونی جز در ناکجاآباد خیال قابل تصور نباشند.

از ماکیاولی تا بودریار

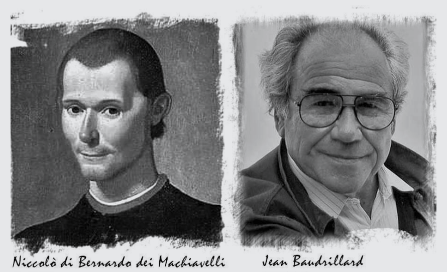

(وقتی غیرسیاسی ترین فیلسوف فراجناحی،سیاسی می شود) ما ساده لوحانه بر این باوریم که پیشرفت خیر و پیروزی آن در تمام حوزه ها (علوم، تکنولوژی، دموکراسی، حقوق انسانی و ...) به معنای شکست شر است. ظاهرا به فکر هیچ کس خطور نکرده که خیر و شر، بعنوان بخش هایی از یک حرکت واحد، با هم پیش می روند. پیروزی یکی از آنها، دیگری را از دور خارج نخواهد کرد، درواقع قضیه به این سادگی ها نیست که خیر بر شر پیروز شود و یا بر عکس. خیر و شر غیر قابل تبدیل به یکدیگر و در عین حال غیر قابل تفکیک از یکدیگرند. در نهایت خیر تنها با خاتمه دادن به خود می تواند به شر خاتمه دهد، چرا که اگر قدرت جهانی را به انحصار خود در آورد دقیقا به همان دلیل زمینه را برای ایجاد خشونتی با همان ابعاد فراهم خواهد کرد.

«ژان بودریار | روح تروریسم»

مریم معصومی–از زمانی که ماکیاولی در کتاب شهریار می گوید: «۳هزار سال است که کتاب هایی که درباره قدرت و قدرتمندان نوشته شده اند در یک مورد اساسی و حیاتی واقع بینانه عمل نکرده اند: حاکمی که می خواهد قدرت داشته باشد باید همیشه خوب هم باشد. این نکته با تصور ما از شایسته سالاری همخوانی دارد. برای اینکه کسی به صدر امور برسد باید خوب تر از سایرین باشد فارغ از اینکه این خوبی با چه معیاری سنجیده شود. گاهی محال است هروز بتوانیم مطابق آرمان های مذهبی و اخلاقی زندگی کنیم. وقتی رهبری هستید که باید تصمیمات خشن و بی رحمانه ای بگیرید و اغلب هم جایگزین خوبی برای این تصمیمات ندارید، اصول اخلاقی دست و پاگیر تان می شود. ماکیاولی در شهریار گفته است که «وسواس به خرج داد برای حفظ اصول اخلاقی آن هم به هر قیمتی غیر واقع بینانه و احمقانه است.»» و بدین طریق مفهوم خیر و شر را به چالش می کشد، بی آنکه فلسفهٔ خاصی برای آن بیان کند (فلسفه ای که بعدها به دست بودریار و دریدا و گادامر و بدیو با روی گرداندن از سوی حقیقت به سمت معنا، آن هم معنا در لایه های مختلف و درنتیجه لغزنده به سمت خوانش گر، حرکت کرد)... ما همچنان شاهد شعارزدگی های سیاسی و وانمودکردن به اخلاقی کردن سیاست با تظاهر و فریبی ماکیاولی وار بوده ایم. حاکمانی که خود واعظ و تعریف کنندهٔ خیر و شر می شوند و در القاء آن به مردم همیشه در صحنهٔ آمادهٔ فریب خوردن تمام توان خود را به کار می گیرند، اما همچنان بر روی صحنه مدعی نوکر و خادم مردم بودن هستند.

نیچه در چنین گفت زرتشت–بخش سوم–می گوید:

«من خدمت گزارم، تو خدمت گزاری، ما خدمت گزاریم.»

چنین شعار می دهند حتی فرمانروایان ریاکار.

وای از روزگاری که در آن بزرگترین ارباب، بزرگترین خدمت گزار باشد!!! این یک نگاه روان شناسانه و واقع گرایانه به سیستم ارباب رعیتی ست. در اینجاست که ماکیاولی وارد می شود و می گوید که لازم نیست اینگونه باشی، بلکه باید اینگونه تظاهر کنی. «او می گوید: انسان ها آنقدر ساده لوح اند و آنقدر تحت تاثیر نیازهای اولیه شان قرار دارند که اگر فریبکار ماهری باشید، فریب دادن برایتان عملا چندان سخت نخواهد بود. هروقت لازم است دروغ بگویید و هر وقت لازم است مکار باشید. ترکیب این دو همان چیزی است که ماکیاولی دروغ مکارانه می نامد. منظور ماکیاولی این است که عنصر ضروری در تعریف کردن داستان های موثر، مرتبط ساختن آن با منافع بیان نشده و شخصی طرف مقابل است. اگر از این توانایی برخوردارید که آنچه را افراد واقعا دلشان می خواهد بشنوند برایشان تعریف کنید احتمال آنکه حرف تان را باور کنند بیشتر است.» و اخلاق بردگان می طلبد که در پی شنیدن این باشند که ارباب شان خدمتگذار است. آنها او را به واسطهٔ این حرفش به اربابی خویش برمی گزینند و هررنجی را در راستای این که ارباب دارد خدمت می کند، متحمل می شوند. اینجاست که بودریار در اوج قدرت فوکو برای توضیح و تفسیر قدرت سر می رسد و می گوید : فوکو را فراموش کنید. بودریار می گوید: فوکو فکر می کند که هستی قدرت، حقیقت و واقعیتی دارد. اما چنین چیزی نیست. قدرت یک نشانهٔ محض است. قدرت در نتیجهٔ یا از طریق وانموده ها، الگوها و کدها، مرده و حذف شده و به صورت امر فراواقعی (هایپریلتی) در آمده است. ما در عصر پست مدرن با وانموده های قدرت، تصاویر خیالی و شباهت هایی از قدرت مواجه هستیم. رئیس جمهور امروز آمریکای بودریاری صرفن با ژست قدرت و نه با اعمال واقعی قدرت–یعنی با ارائهٔ نشانه ها و علائم قدرت در عکس ها و فیلم ها و سخنرانی های خود–همانند یک پادشاه حاکمیت می کند. پس امروزهٔ قدرت در وانمودن هرچه بیشتر است و نه اعمال حقیقی آن. خواستگاه و جایگاه قدرت برای بقا و قدرت برای حاکمیت، در عصر ما بعد از یک دور در فلسفهٔ نیچه و فوکو چرخیدن، دوباره به دست بودریار به تعریف ماکیاولی خود یعنی همان وانمودن و تظاهر کردن می رسد. هرچقدر بهتر تظاهر کنی و بیشتر فریب دهی، از قدرت بالاتری برخوردار خواهی بود. این فرق قدرت در بین جانوران، با هوش محدود و انسان با هوشی که در حال جهش های دوره ای ست می باشد. چیزی که نیچه بر آن تفاوت نگذاشت. فوکو تفاوت آن را درک کرد، اما نتوانست نتیجه گیری درستی از آن داشته باشد. تا سرانجام بودریار به عنوان فراجناحی ترین فیلسوف همهٔ دوران ها و غیر سیاسی ترین فیلسوف فیلسوف ها در یک دایرهٔ اروبوروسی گیر کرد و با افراط در غیرسیاسی بودن از انتهای این دایره به سیاسی ترین فیلسوف حقیقی تاریخ یعنی ماکیاولی پیوست. فلسفهٔ بودریار بی هیچ تردیدی در هر زمان یک فلسفهٔ سیاسی و به عبارتی دقیق تر متأثر از و تأثیرگذار بر آن بوده است. چنین نسبت سفت و سختی با سیاست، حتی با اعلان پایان امر سیاسی نیز به پایان نمی‌رسد و نخواهد رسید. زمانی که دیگر بودریار سیاسی نیست؛ جایی ست که از آن بدتر است.

وی در سخنرانی ۱۹۸۹ خود می گوید: «درست همان‌گونه که امروز خیلی ها، فراجنسی (دوجنسی) هستند، مانیز ناگهان فراسیاسی شده‌ایم. یعنی آن موجوداتی به لحاظ سیاسی بی تفاوت و فاقد تمایز، یعنی به لحاظ سیاسی خواجه، چراکه بسیاری از ایدئولوژی های معاصر را هضم کرده و رد کرده ایم و فقط می دانیم که چگونه نقاب بزنیم.» این تعریف بودریار از فراجنسی های سیاسی نتیجهٔ اعمال رویکردهای سیاسی بر اساس تعاریف ماکیاولی ست. از آنجا که تنها شیوهٔ ادارهٔ صحیح ملتی که آمادهٔ فریب خوردن هستند، روش های ماکیاولی وار است با درنظر گرفتن اصل نیچه ای مبنی براینکه قوی و نابغه باید بر ضعیف و کودن ارجح باشد و سیستم باید جوری باشد که راه را برای پیشرفت نوابغ باز کند (یکی از نقاط قوت سیستم های راست و نقاط ضعف سیستم های چپ یا نابغه کش) ، می توان به این نتیجه روان شناسانه و واقع گرایانه در فلسفهٔ بودریار رسید که با دانستن چگونگی شرح حال مردم عامی عصر پسامدرن و شکل منفعل آنها به عنوان یک مشارکت کنندهٔ سیاسی در حالیکه از خود مطمئن هستند که فاعل و کننده و تعیین کننده می باشند، باید نوابغ و «آنکه این طریق و شکل و رویکرد سیاسی» را می فهمد راهش را به عنوان یک «خود» از باقی جدا کند و با دریافتن نشانه ها و قوانین حاکم بر سیستم جایگاه حقیقی خود را یافته و در ارتقاء آن بکوشد. می تواند به دلخواهش عضوی از این سیستم باشد و یا نباشد. می تواند آگاه بر مشارکت فعالیت سیاسی خود باشد و یا از فعالیت سیاسی سرباز زند. و با این آگاهی از ابزار و دستاویز شدن خویش جلوگیری کند. درواقع فلسفهٔ بودریار به ما نشان می دهد که ماکیاولیسم عصر پسامدرن چگونه عمل می کند. و چگونه ما را از آن رهایی نیست. جایی که بودریار از ماکیاولی فراتر می رود در کتاب «روح تروریسم» می باشد. او در این کتاب می گوید، اگر همهٔ برگه ها را حاکم تحت این قوانین حاکمیت از آن خود کند، یعنی تمام قوا از آن یک جناح به عنوان «خیر» شود، جایی ست که جناح مخالف به تمام قوا نمایندهٔ «شر» خواهد شد. این بزرگترین نقد بر جناح راست به عنوان یک ابرجناح که تمام قوانین بازی و برگه ها را از آن خود کرده است می باشد. چرا که به همین دلیل ما شاهد پیدایش شر از طالبان تا داعش هستیم. تروریسم زادهٔ این تفکیک بیش از حد دو نشانهٔ راست و چپ است در حالیکه این دو در نهایت یک ماهیت یکسان دارند و باید نمایشی تنظیم شود که بتواند در این زمینه تعادل ایجاد کند. بودریار مشکل و معضلات مربوط به سیاست های جهانی را می بیند، اما راه حل ارائه نمی دهد. او معتقد است که نباید نقش یک پیامبر ملال آور را بازی کرد. حال با کشف این بیماری توسط بودریار ما باید منتظر یک ماکیاولی دیگر باشیم که بیاید و برای این بیماری عصر حاضر دوا تجویز کند. همچنان که او برای عصر خود تا کنون در زمینهٔ اخلاق اربابان واقع گرایانه ترین رفتارها و کردارها را بیان کرده و دوایی هرچند تلخ یا شاید کشنده، اما به مانند پادزهر (و نه زهر) به ما معرفی کرده است.